

شب بود بیابان بود زمستان بود

آهنگساز: ناصر رستگارانژاد

ترانه‌سرا: فریدون فرخزاد

خواننده: فریدون فرخزاد

شب بود بیابان بود زمستان بود

بوران بود سرمای فراوان بود

یارم در آغوشم هراسان بود

از سردی افسرده و بی جان بود

از بهر آن سیمین بر خوشگل

از جسم و جان خود بودم غافل

می‌کوشیدم بهرش از جان و دل

می‌بردمش با خود سوی منزل

گیسویش از باد و باران گشته آشفته

در هر، هر مویش گویی مروارید غلتان سفته

طی شد راه دشوار، آخر بر من و یار

با بوسه‌ای گرمی به او دادم

با لب‌هایی چون قند، بر رویم زد لبخند

برد آن همه رنج و غم از یادم

گیسویش از باد و باران گشته آشفته

در هر، هر مویش گویی مروارید غلتان سفته



نوت نت

www.note**o**note.com